

مانسر اولسن*

در مقام دانشمند اجتماعی

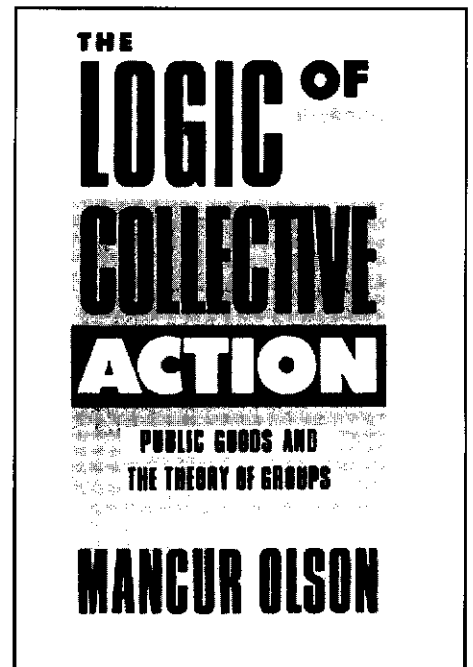
○ آویناش دیکسیت
ترجمه جعفر خیر خواهان



کجیده:

مانسر اولسن به خاطر ارائه پاسخ های ساده اما متقاعدکننده به پرسش های کلی اقتصادی و نیز شور و شوقی که در دفاع از تئوری های خود نشان داده و منتقدان را به تعمق واداشته شهرتی جهانی کسب کرد. اثر درخشان وی، منطق کنش جمعی، آنچه را اینک بدیهی به نظر می رسد بسیار عالی تبیین کرد. چگونه گروه های ذینفع به وجود می آیند و چگونه قادرند از طریق تأثیر زیان بار بر کارآیی اقتصادی به منافع جامعه ای بزرگتر ضربه بزنند. در کتاب قدرت و مکتب که دقیقاً قبل از مرگش به پایان رسانده به اساسی ترین پرسش های زندگی حرفه ای خود پاسخ داد که چرا برخی اقتصادها به نحوی خارق العاده عمل کرده و ثروت و مکتبی باورنکردنی فراهم ساختند در حالی که سایرین به نحوی غم انگیز شکست خوردند. و این که چگونه انواع مختلف حکومت ها مانع یا مشوق رشد اقتصادی هستند.

اولسن با بسط اصول اقتصادی به عرصه سیاست و تکامل نهادها، اقتصاد را به اکثر مسائل جهانی مربوط ساخت و دقت و بینش را به مسایلی وارد کرد که اغلب غیرقابل حل تلقی می شد.



○ The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation and Social Rigidities
○ Mancur Olson
○ New Haven, CT: Yale University Press, ۱۹۸۲

○ The logic of Collective Action: Public and the Theory of Groups
○ Mancur Olson
○ Cambridge, MA: Harvard University Press, ۱۹۶۵

آدام اسمیت است.

دانشجویان امروزی اقتصاد که بحث کالاهای عمومی و پیامدهای خارجی را معمولاً در دروس اقتصاد خرد فراموش می کنند و می دانند که تعادل ناشی از بازی غیرهمیارانه معمولاً پیامد بهینه پارتو را به وجود نمی آورد، این بحث را نکته عجیب و غریبی به حساب نمی آورند. اما در سال ۱۹۶۵، هنگامی که کتاب منطق کنش جمعی اولسن منتشر شد، مسئله انحصار، تنها استثناء مقبول برای کار این بازارها به حساب می آمد. به بحث پیامدهای خارجی و کالاهای عمومی در آخرین هفته کلاس درس اقتصاد خرد اشاره می شد، آن هم بیشتر در حکم یک امر نادر و عجیب تا یک مسئله واقعی اقتصادی که باید جدی گرفته شود. مثال های کلاسیک پیامدهای خارجی از زندگی روستایی گرفته می شد. مثلاً زنبورهای عسل که گل ها را

آیزایا برلین این قول معروف آرشیا خوس، شاعر یونانی، را رواج داد که «رویه بسیار چیزها می داند، اما خاریشت یک چیز بزرگ می داند.» به نظر برلین، خاریشت مظهر آن گروه از متفکرانی است که «همه چیز را به بینش مرکزی واحدی ربط می دهند که برحسب آن ادراک، تفکر و احساس می کنند.» (Berlin, ۱۹۷۸). به این تعبیر مانسر اولسن آخرین خاریشت علوم اجتماعی است. اکثر تحقیقات وی را می توان کشف و کاربرد یک ایده دانست، اما ایده ای که حقیقتاً بزرگ بود. این ایده عبارت بود از مسئله کنش جمعی، به این معنا که چگونه افرادی که در راستای منافع شخصی خویش عمل می کنند نمی توانند تدارک کالاهای یا خدماتی را که از لحاظ جمعی به نفع همه شان است تضمین کنند. به بیان دیگر، تمرکز اولسن یکسره به چیزی معطوف شد که مسلماً مهم ترین دسته از نقایص دست نامرئی

که علم اقتصاد، علم سیاست جامعه‌شناسی و تاریخ را بیش از پیش با هم ترکیب کرد. در واقع مضمون در حال بسط و تکامل یابنده زندگی تحقیقاتی او عبارت بود از غنی‌سازی و وحدت بخشی جمیع علوم اجتماعی.

در علوم اجتماعی تحقیقات بین رشته‌ای اغلب به پژوهشی نامنضبط تنزیل می‌یابند. اما پافشاری اولسن بر بالاترین استانداردهای دانش پژوهی و دقت علمی در همه تحقیقات فقط با خواندن چند صفحه از نوشته‌های وی آشکار می‌شود. در کتاب فراز و فرود ملت‌ها او چند معیار بسیار دقیق مطرح می‌کند که تئوری باید برحسب آنها مورد قضاوت قرار گیرد. برای ارائه یک مثال صرفه پافشاری می‌کند که فهرستی از نمونه‌های مؤید یک فرضیه، صرف نظر از بلندی فهرست، موضوع را فیصله نمی‌دهد؛ بلکه باید با سخت کوشی به دنبال استدلال‌های ناقص و نمونه‌های خلاف گشت ولو این که ناراحت‌کننده باشند. من این معیارها را ذیلاً توضیح می‌دهم. بین ویژگی‌ها سرجمع نشانگر شرحی ممتاز از رویکردی حقیقتاً علمی است.

اولسن اندیشه‌های سایرین را مورد موشکافی مشابهی قرار می‌داد. به محض این که کسی اندیشه موردعلاقه خویش را مطرح می‌ساخت، اولسن دست به کار امتحان شفاهی آن می‌شد.

اما در جدی‌ترین انتقادات یا پرسش‌های اولسن، هیچ حرف نسنجیده و گستاخانه‌ای وجود نداشت. برعکس، او همواره فردی مؤدب، فکور، یاریگر و خوش برخورد بوده، برای او، همان طور که انتظارش می‌رفت، خود تحقیق نیز نوعی مسئله کنش جمعی بود؛ به رغم او، تحقیق را نمی‌شد با کنش فردی یا رقابت حل کرد، بلکه به مقدار زیادی همبازی نیاز داشت.

دانش پژوهی موشکافانه و در عین حال مؤدبانه او با شور و شوق فکری شگفت‌آورش تقویت می‌شد. در به ظاهر پیش پا افتاده‌ترین رویدادها و مشاهدات چیزی که ارزش تفکر و تجزیه و تحلیل داشته باشد پیدا می‌کرد و جهان‌بینی خاریشت گونه‌اش را برای ایضاحش بیش می‌کشید. دیدگاه شخصی خود را با بینش و شوخ طبعی خاص خود چنین بیان می‌کرد: «اگر کودکی چکش به دست‌بازی، کل جهان برایت حکم یک منبع را دارد.» این آمیزه ذوق کودک‌وار در تحقیق و بینشی کاملاً بلوغ یافته و پشتکار و توان بالای تحلیل بود که کوتاه‌ترین ملاقات با او را تجربه‌ای فراموش نشدنی می‌ساخت که هرچه عمیق‌تر بودی حظ بیشتری هم می‌بردی.

۱- زندگی اولسن

مانسر کلوید اولسن پسر در ۲۲ ژانویه ۱۹۳۲ در گراند فورکس ایالت داکوتای شمالی به دنیا آمد. از خانواده کشاورز مهاجری از نروژ بود. اسم کوچکش که «هان» سر «تلفظ می‌شود، میان افراد اسکاندیناوی تبار ساکن آمریکای شمالی رایج بود اما در نروژ شناخته شده نبود. نیمه شوخی و نیمه جدی می‌گفت که اسمش از «منصور» عربی به معنای پیروز و ظفرمند گرفته شده است. گویا گروهی ماجراجو از وایکینگ‌ها این اسم را هنگام حمله‌ای به اعراب که در تاریخ ثبت نشده گرفته بودند و بعدها با خود به آمریکای شمالی بردند.

اولسن در یک مدرسه کوچک محلی تحصیل کرد و سپس به دانشگاه ایالتی داکوتای شمالی رفت و در همان جا

تمرکز اولسن یکسره به چیزی معطوف شد که

مسئله مهم ترین دسته از نقایص دست نامرئی آدام اسمیت است

کتاب اولسون منطق کنش جمعی، نقطه عطف مهمی بود

در مسیری که همه دانشمندان اجتماعی را به درک بهتر

مسئله کنش جمعی رهنمون شد

از نظر اولسون، فعالیت دولت‌ها باید همان قدر

مورد مذاقه تحلیلی قرار می‌گرفت که فعالیت بازارها،

و شکست‌های دولت می‌بایست همان قدر جسورانه افشا می‌شد

که شکست‌های بازار

مضمون در حال بسط و تکامل یابنده زندگی تحقیقاتی اولسون

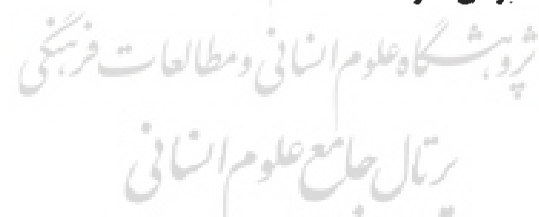
عبارت بود از غنی‌سازی و وحدت بخشی جمیع علوم اجتماعی

مدلسازی صوری نقاط قوتی دارد که امروزه به خوبی درک شده است:

تحلیلگر را وامی‌دارد تا فروض خویش را با صراحت بیان کند،

هیچ جایی برای لغزش منطقی باقی نمی‌گذارد و تمام نتایج فروض را

آشکار می‌سازد



نقطه عطف مهمی بود در مسیری که همه دانشمندان اجتماعی را به درک بهتر مسئله کنش جمعی رهنمون شد. با اینکه اولسن مشکلات دستیابی به پیامدهای اجتماع مطلوب از طریق کنش فردی ناهماهنگ را کشف کرد و نشان داد، به هیچ وجه حامی ساده‌لوح برنامه‌ریزی مرکزی یا قوه قهریه نبود. به نظر او، فعالیت دولت‌ها بایستی همان قدر مورد مذاقه تحلیلی قرار می‌گرفت که فعالیت بازارها، و شکست‌های دولت می‌بایست همان قدر جسورانه افشا می‌شد که شکست‌های بازار. دولت‌ها نیز منافع خصوصی خاص خود را دارند، و اگر این منافع با عملکرد مناسب کل اقتصاد به بهترین نحو تأمین نشود، یعنی اگر منافع دولت با منافع اقتصاد هماهنگ نباشد، سیاست‌هایش موجب کارایی اقتصادی نخواهد شد.

جدیدترین آرای اولسن درباره نظام‌های اقتصادی و سیاسی بدیل و تعاملاتشان - سرمایه‌داری و سوسیالیسم، دموکراسی و دیکتاتوری - به صورت بافته بزرگی تعامل یافت

گرده‌افشانی می‌کنند یا جرقه‌های موتور قطار که باعث آتش سوزی مزارع می‌شود. اولسن نقش اساسی در مسیر تحقیقاتی ایفا کرد که دیدگاه‌های ما طی سه دهه گذشته را به شدت متحول ساخته است.

تأثیر او در علوم سیاسی از این هم بیشتر بود. اکثر دانشمندان علوم سیاسی این مسئله را بدیهی فرض می‌کردند که اگر نتیجه‌ای برای تمام اعضای یک گروه مفید باشد، در این صورت گروه در هم‌آهنگی با هم اقدام می‌کنند تا آن نتیجه را به دست آورند. آنها فرض را بر کنش مشترک می‌گذاشتند نه کنش فردی، بدون این که بپرسند کنش مشترک چگونه اعمال خواهد شد. به زبان امروزی، می‌توان گفت که آنها به طور ضمنی پیامدهای اجتماعی را تعادل بازی‌های همیارانه محسوب می‌کردند نه تعادل بازی‌های غیرهمیارانه. اما اولسن روی مسایل اعمال سیاست متمرکز گشت و به صورت ضمنی برحسب بازی‌های غیرهمیارانه فکر می‌کرد. بنابراین کتاب او یک

درجه لیسانس خود را در ۱۹۵۴ گرفت. در دو سال بعدی بورس در آکسفورد بود. سپس مطالعات سطوح بالاتر را در هاروارد شروع کرد که با خدمت نظامی در نیروی هوایی ایالات متحده دچار وقفه شد. به عنوان عضو هیأت علمی در گروه اقتصاد آکادمی نیروی هوایی از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳.

در همین دوره روی پایان نامه دکتری خویش کار می کرد. نه فقط آغازگری خودجوش بلکه به انتها رساننده‌ای ماهر نیز بود و پیش نویس کاملی از پایان نامه اش را ارائه داد. استاد دانشگاه هاروارد که آن را خواند بی درنگ ردش کرد. اما این از آن نوع ماجراها که بسیار موردعلاقه روزنامه نگاران است نیست که یک استاد ایرادگیر، پیر و محافظه کار، نابغه جوان را درک نکند. خواننده متن، توماس شلینگ خودش اقتصاددانی برجسته و عرف شکن بود که «انتقادات عالی، جدی و مفصلی از متن پایان نامه نمود.» (Olson, ۱۹۹۰, p.۷۷) اولسن با جدیت تمام کار کرد تا در دو دوره بازنگری انتقادهای استاد راهنما را در نظر بگیرد. بعد پایان نامه نه فقط مورد پذیرش قرار گرفت بلکه برای انتشار به انتشارات دانشگاه هاروارد نیز توصیه شد. اولسن در ۱۹۶۳ درجه دکترای خویش را دریافت کرد. پایان نامه مدتی بعد بدل شد به کتاب مشهور منطق کنش جمعی.

اولسن در ۱۹۶۳ در مقام استادیار به دانشکده اقتصاد پرینستون پیوست. برای مدت کوتاهی از ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۹ از محیط دانشگاهی دور شد تا به عنوان معاون وزیر در وزارت بهداشت ایالات متحده خدمت کند. پرینستون او را به استخدام دایم در نیابورد - یکی از فراوان اشتباهاتی که این دپارتمان در تصمیمات استخدامی و ارتقای خود مرتکب شده است - و او در ۱۹۶۹ به هیأت علمی دانشگاه مریلند پیوست، که در همان جا باقی ماند و در ۱۹۷۹ به درجه استاد ممتاز دانشگاه ارتقاء یافت.

در سال ۱۹۹۰ مرکز اصلاحات نهادی و بخش غیررسمی (IRIS) را پایه گذاری کرد. این مرکز که در دانشگاه مریلند واقع شده اما فعالیت های گسترده در سراسر جهان دارد به سرعت به نهادی پیشرو با ده ها پژوهشگر در اطراف و اکناف جهان تبدیل شد که در کشورهای در حال توسعه و سوسیالیستی سابق به امر آموزش و پژوهش می پردازد.

اولسن از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۴ رییس انجمن انتخاب عمومی، سال های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ رییس انجمن اقتصادی جنوبی، سال های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ رییس انجمن اقتصادی شرق و در ۱۹۸۶ معاون رییس انجمن اقتصاد آمریکا بود. امتیازها و نشان های افتخار بی شمار وی از جمله شامل بورس تحقیقاتی از آکادمی هنرها و علوم آمریکا و انجمن آمریکایی پیشرفت علوم و یک بورس افتخاری یونیورسیتی کالج آکسفورد می شود. کتاب های وی، منطق کنش جمعی و فراز و فرود ملت ها، جوایز و تشویق های متعددی را از آن خود کردند و به چندین زبان ترجمه شدند. در مقاله حاضر این دو کتاب و گلچینی از مقالات منتشر شده وی را مورد بحث قرار خواهیم داد.

هنگام فوت غیرمنتظره اش بر اثر حمله قلبی در ۱۹ فوریه ۱۹۹۸، در بحبوحه یک دوره فعالیت شدید پژوهشی بود. او دست نویس تقریباً کامل یک کتاب و چندین مقاله پژوهشی و تعدادی پروژه در حال انجام دیگر به جا گذاشت. از او یک دختر به نام الیکا، دو پسر به نام های سورین و ساندرو، و ارادتمندان و وارثان و پیروان فکری بیشمار در

سرتاسر علوم اجتماعی باقی مانده است.

۲- منطق کنش جمعی

تحلیل ها و کاربردها در این کتاب چندان غنی و متنوع است که غیرممکن است به شایستگی خلاصه شان کرد. من فقط می توانم روایتی شخصی و گزینشی از برخی مضامین آن ارائه دهم.

اولسن مصر بود که این مسئله را که آیا گروه تمهید کالای جمعی ای که به همه اعضا فایده می رساند موفق خواهد شد یا خیر، باید از پایین به بالا تحلیل کرد، یعنی با بررسی انگیزه های افراد در گروه برای مشارکت در کنش جمعی پیشنهادی، به زبان امروزی، او می پرسد آیا کنش های متقابلاً مفید می تواند تعادل ناشی از بازی ای غیرهمیارانه باشد یا خیر. او اندازه گروه را مهم ترین عامل می داند: احتمال حل معضل کنش جمعی در گروه های کوچک بیشتر است تا در گروه های دارای اعضای فراوان. اولسن این نکته را به شیوه ای بسیار ساده طرح می کند. در گروهی متشکل از n عضو مشابه، هر کدام فقط $\frac{1}{n}$ کل فایده ای را به دست می آورند که کالای جمعی ایجاد می کند؛ بنابراین انگیزه هر فرد برای مشارکت در تولید کالای جمعی فقط $\frac{1}{n}$ آن چیزی است که برای گروه، بهینه است هم چنان که n افزایش می یابد این نتیجه قطعی تر می شود و اگر n به نهایت برسد، انگیزه مشارکت زایل می گردد، احتمالاً مهم ترین کاربرد این قضیه تضادها بر سر سیاست تجاری اتفاق می افتد که گروه های کوچک تولیدکنندگان قادر به سازماندهی و فشار وارد کردن برای تصویب سیاست های تجاری حمایت گرایانه ای هستند که به تعداد فراوانی از مصرف کنندگان غیرمتشکل صدمه می زند، هر چند که کل زیان های مصرف کنندگان بسیار بیشتر از کل سود تولیدکنندگان است.

نتیجه بعدی که اولسن گرفت عدم تقارن بین اعضا بود. اگر یک عضو گروه نسبت به عضو دیگر سهم بسیار بیشتری از فایده کالای جمعی به دست آورد، پس عضو اول انگیزه بیشتری برای مشارکت دارد. بنابراین باید شاهد باشیم که اعضای بزرگتر، برای تهیه کالای جمعی تلاش بیشتری می کنند و اعضای کوچک از سواری مجانی استفاده می کنند. اولسن برای اصل «استثمار اعضای بزرگ به دست اعضای کوچک» کاربردهای فراوانی پیدا کرد که بارزترین آن در اتحادهای نظامی است.

سومین برداشت این است که در میان ابزارهای مختلفی که یک گروه برای ترغیب افراد به پیوستن و مشارکت در تهیه کالای جمعی استفاده می کند، اولسن بر نقش انگیزه های گزینشی تأکید دارد. اینها فایده های خصوصی هستند که فقط به آن کسانی ارائه می گردد که به گروه بپیوندند و حق عضویت بپردازند و بخشی از این حق عضویت صرف فراهم ساختن کالای جمعی می گردد. این فایده خصوصی به هم وابسته باید به اندازه کافی زیاد باشد و در دسترس افراد خارج از گروه قرار نداشته باشد، تا اشخاصی پیدا شوند که منفعت خویش را در پیوستن به گروه و به دست آوردن این مجموعه فایده های عمومی و خصوصی ببینند نه اینکه در بیرون از گروه باشند و فقط فایده سواری مجانی کالای عمومی را بدست آورند. نمونه های قابل ذکر شامل تخفیف هایی می شود که توسط

گروه هایی مثل اتحادیه بازنشستگان به اعضا داده می شود و سپس از این حق عضویت ها برای فعالیت های سیاسی و کسب منافع گروهی استفاده می شود.

این کتاب به دلیل بینش گسترده و جامع که درباره مسایل کنش جمعی به دست می دهد بسیار درخور توجه است. اولسن ابعاد مختلف یک مسئله را بی درنگ مورد ملاحظه قرار می دهد، استدلال های خود را با مهارت به هم مرتبط می سازد و آنها را با مثال های متقاعدکننده تشریح می کند. تفاوت چشمگیر کتاب با بی شمار ادبیات موضوعی هنوز رشد یافته در زمینه مسایل کنش جمعی کاملاً عیان است. نوشته های متاخر ریاضی وار هستند، شامل یک سلسله مدل های صوری که هر کدام یک موضوع یا یک جنبه از مسأله را بررسی می کنند، مدل سازی صوری نقاط قوتی دارد که امروزه به خوبی درک شده اند: تحلیل گر را وامی دارد تا فروض خویش را با صراحت بیان کند، هیچ جایی برای لغزش منطقی باقی نمی گذارد، و تمام نتایج فروض را آشکار می سازد. حقیقتاً بسیاری از مدل های صوری کنش جمعی که دیگران ساخته اند، یافته هایی را عاید نموده که از چشم اولسن پنهان مانده بود. یکی از آنها اهمیت اثرات درآمدی است. وار (۱۹۸۳ warr) و برگستروم و همیارانش (Bergstrom and et al. ۱۹۸۶) متوجه شدند در گروهی که اعضا ترجیحات یکسان برای کالای عمومی دارند، اما درآمدهایشان متفاوت است، یک سطح آستانه درآمدی وجود دارد که اعضای پایین تر از این سطح در کالای عمومی مشارکت نخواهند کرد. حال آن که اعضای بالاتر از این سطح در تمام مبلغ اضافی مشارکت خواهند کرد. نتیجه منطقی این است که توزیع مجدد درآمد بین کسانی که سهم مثبتی در کمک به کالای عمومی دارند هیچ تأثیری بر مقدار کالای عمومی نمی گذارد، اما چنین نتیجه قاطعی آن چیزی نیست که در واقعیت مشاهده می کنیم؛ مدل صوری، سایر ویژگی ها مثل تفاوت در سلیقه و تأثیر روابط جاری را نادیده می گیرد.

اولسن گاهی اوقات در تحقیقات گروهی که مستلزم مدل های صوری بود نیز مشارکت می کرد. معروفترین آنها مدل مشترک اولسن و زکهاوسر (Olson and Zeckhauser ۱۹۶۵) است مدلی زیبا که چگونگی استثمار اعضای بزرگ به دست اعضای کوچک را نشان می دهد. در دو سال آخر عمرش، من و او در ساختن یک مدل بازی دو مرحله ای مشارکت داشتیم. مرحله نخست پیوستن به گروه غیرهمیارانه بود، که به دنبال آن دومین مرحله همیارانه از چانه زنی کوزی برای مشارکت در کالای عمومی بود و فقط کسانی اجازه بازی داشتند که در نخستین مرحله عضو شده باشند. (Olson and Dixit, ۱۹۹۹)

مدل سازی صوری در سی سالی که از انتشار منطق کنش جمعی می گذرد بر نظریه اقتصادی تسلط یافته است. اما فرمالیسم نتوانسته آن کتاب را به حاشیه براند؛ این کتاب یک نمونه درخشان باقی می ماند که چگونه تحلیل کلامی غیرصوری بر مبنای یک بینش گسترده می تواند به عنوان مکمل ارزشمندی برای مدل سازی صوری باشد. تأثیر ماندگار و هنوز در حال رشد این کتاب را آکادمی مدیریت آمریکا با دادن جایزه «سهم ماندگار» در ۱۹۹۳ و انجمن علوم سیاسی آمریکا با دادن جایزه لئون اپستین در ۱۹۹۵ ارج نهادند.

نرخ رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. به بیان دیگر، ائتلاف‌های توزیعی می‌تواند جامعه را به دام یک وضعیت اقتصادی رکودی بیندازد.

برعکس هر آنچه که نهادهای یک جامعه را تکان دهد و انسجام ائتلاف‌های توزیعی را از بین ببرد و منشاء فایده‌های ویژه آنها را نابود سازد می‌تواند برای رشد سریع‌تر اقتصادی مفید باشد. اولسن این مسئله را به عنوان نخستین دلیلی می‌داند که چرا آلمان و ژاپن توانستند بعد از جنگ جهانی دوم آن قدر شتابناک رشد کنند، حتی مهم‌تر از این واقعیت که نابودی اکثر سرمایه‌های فیزیکی و زیربنای‌شان آنها را قادر ساخت تا از اول شروع کرده و سرمایه جدیدتری با درآمیختن آخرین فن‌آوری‌ها نصب کنند.

در این شرح بسیار مختصر، مثل کتاب قبلی، نمی‌توان در مورد غنای استدلال‌ها در فراز و فرود ملت‌ها حق مطلب را ادا کرد. در این فضای محدود، من تنها می‌خواهم یک موضوع دیگر را ذکر کنم، یعنی مفهوم منافع (یا گروه‌های) فراگیر. یک گروه که نماینده درصد بالایی از افراد جامعه باشد بسیار متفاوت از گروهی رفتار می‌کند که دامنه عضویت محدودتری دارد. گروه اول اکثر هزینه‌های وارد شده بر جامعه را که ناشی از اقدامات گروه در تعقیب منافع توزیعی است برای اعضا درونی می‌سازد.

چنین گروهی فعالیت‌های زیانبار برای جامعه را با شدت کمتری انجام خواهد داد. بنابراین یک اتحادیه کارگری در سطح هم شرکتی‌ها، مطالبات دستمزد خویش را به اندازه یک اتحادیه مبتنی بر یک صنف بالا نمی‌برد و یک اتحادیه در سطح ملی تا حد بیشتری مخاطره تورمی ذاتی در افزایش بیش از حد دستمزدها را تشخیص خواهد داد.

مایلم تا بخشی از فضای بحث را به گرایش کلی اولسن در تئوری و آزمون تئوری آنچنان که در بحث آغازین او در این کتاب آشکار می‌شود اختصاص دهم. این بحث الحق سزاوار نقل قول مفصل است. (Olson, 1982, pp. 13-4)

خواننده نیاید... استدلال مطرح شده در این کتاب را فقط بدین خاطر بپذیرد که آن را معقول و سازگار با واقعیات شناخته شده می‌یابد. بیشتر روایت‌های موجه، قبلاً گفته شده و اغلب نیز سخت مورد قبول قرار گرفته است، با این حال آنها نتوانستند پایدار بمانند. خواننده نباید حتی اندک اعتمادی به استدلال این کتاب داشته باشد مگر این که دریابد تعداد فراوانی از واقعیات را در مقوله‌های مختلف توضیح می‌دهد، آن هم با چنان مجموعه محدودی از «علل» یا «اصول موضوعه» در نهایت این که خواننده باید همچنین مواظب باشد که آیا مواردی که من تنظیم کردم تا بیان کنم فقط همان‌هایی هستند که اتفاقاً با تئوری سازگاری دارند.

به بیان دیگر، آزمون‌های درونی و نیز آزمون‌های تجربی برای قضاوت تئوری‌ها وجود دارند. در مقوله اولی، معیارهای قدرت (یعنی تبیین اکثر پدیده‌های متنوع) و امساک (یعنی استفاده از یک مجموعه اندک فروض) قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، وقتی که شخصی یک تئوری را به عنوان تبیینی از یک مجموعه وقایع عرضه می‌دارد، باید از او پرسید «این تئوری چه چیزی را قادر است تبیین کند که برای بیان کردن آن طراحی و سفارش داده نشده بوده است؟» در آزمون‌های تجربی، بسیار مهم است تا از شواهد گزینشی در کار تحقیق اجتناب کنیم و در هنگام قضاوت

مدلسازی صوری در سی سالی که از انتشار منطق کنش جمعی می‌گذرد
بر نظریه اقتصادی تسلط یافته است. اما فرمالیسم نتوانسته
این کتاب را به حاشیه براند

اولسن در کتاب فراز و فرود ملت‌ها نظریه‌اش درباره کنش جمعی را
برای موضوعی بی‌نهایت مهم در علوم اقتصادی و سیاسی،
در تاریخ و در امور عملی بین‌المللی به کار بست: چرا برخی کشورها
در برخی دوران‌ها با سرعت رشد می‌کنند در حالی که
سایرین عاطل و باطل می‌مانند؟

درست همان طور که نظریه پردازی اولسن در کتاب منطق کنش جمعی
عمدتاً بدون مدل‌های صوری ریاضی بود، ژرف‌نگری تجربی وی
از تئوری‌هایش در کتاب فراز و فرود ملت‌ها نیز بدون استفاده از
رویه‌های آماری صوری یا اقتصادسنجی بود

ترکیبی از رویکرد تحلیلی یک اقتصاددان، توجه دانشمند سیاسی
به نهادها، و دانایی یک تاریخدان از ظرایف و پیچیدگی‌های جهان،
مجموعه آن چیزهایی بود که از اولسن دانشمند اجتماعی ساخت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

هستند اما این سیاست‌ها فقط در آمد و ثروت را به گروه‌های
ذینفع خاص باز توزیع نمی‌کنند. اکثر چنین سیاست‌هایی،
درآمد یا ثروت کل جامعه را کاهش می‌دهند و زبان‌های
اجتماعی به وجود می‌آورند. بنابراین اگر یک ائتلاف توزیعی
با موفقیت مسئله کنش جمعی را حل کند، نتیجه از بعد
اقتصادی خسارت رساندن به مجموعه جامعه است.

علاوه بر عوامل مودی به موفقیت ائتلاف توزیعی که
در کتاب منطق کنش جمعی بررسی شد - یعنی تعداد افراد
گروه، عدم تقارن اعضا، و توانایی فراهم ساختن انگیزه‌های
گزینشی - اولسن این جا بر بعد زمانی تأکید می‌ورزد. در
جامعه و اقتصاد باثبات، ائتلاف‌های توزیعی به تدریج
روش‌هایی برای حل مسائل کنش جمعی خود پیدا می‌کند.
علاوه بر این، ائتلاف‌هایی که شکل یافته‌اند به احتمال
فراوان ائتلاف‌هایی هستند که خود را با وضعیت موجود
سازگار ساخته و از تداوم وضع موجود سود می‌برند، بنابراین
آنها به احتمال فراوان مخالف هر نوع نوآوری هستند که

۳- فراز و فرود ملت‌ها

اولسن در کتاب فراز و فرود ملت‌ها نظریه‌اش درباره
کنش جمعی را برای موضوعی بی‌نهایت مهم در علوم
اقتصادی و سیاسی، در تاریخ و در امور عملی بین‌المللی به
کار بست. چرا برخی کشورها در برخی دوران‌ها با سرعت
رشد می‌کنند در حالی که سایرین عاطل و باطل می‌مانند؟
تحلیل همه جانبه، بکر و بحث‌انگیز وی از این مسأله او را
به تراز جدیدی از شهرت در محافل دانشگاهی و ماورای آن
برکشاند. این کتاب جایزه سال ۱۹۸۳ گلدیس‌ام. کلامرز
انجمن علوم سیاسی را ربود.

استدلال او بر مفهوم ائتلاف توزیعی متکی است. این
ائتلافه متشکل از گروهی است که کنش جمعی آنها
می‌تواند سهم بزرگ‌تری از ثمرات فعالیت‌های اقتصادی را
برای اعضای آن تضمین نماید که به زبان اعضای خارج از
گروه است. سیاست‌های مالیاتی و یارانه‌ای مختلف، موانع
ورود و جابه‌جایی، و تعرفه‌ها و سهمیه‌های وارداتی، مهم

درباره کار سایر افراد محتاط باشیم. در این دنیای بزرگ و متنوع، یافتن چندین نمونه که تقریباً با هر تئوری مطابقت داشته باشد آسان است. پژوهشگر باید همیشه به دنبال مجموعه عظیم داده‌هایی باشد که به اندازه کافی با هم تفاوت داشته باشند تا وی را قادر سازد بین تبیین‌ها تمیز قائل شود.

اولسن همچنین بر اهمیت به رسمیت شناختن تنوع نیروهایی که در اکثر مواقع مؤثر هستند تأکید می‌ورزد: (Olson, 1982, p. 14)

لازم نیست... انتظار داشته باشیم که هر تئوری یک چیز خاصی را بیان کند... مطلقاً هیچ چیز در همه معرفت‌شناسی‌ها نشان نمی‌دهد که تبیین‌های معتبر باید تک علتی باشند... در بحث‌های روش‌شناسی اغلب گفته می‌شود که هر تئوری علمی معنادار باید یک یا چند حادثه یا مشاهده احتمالی یا نتایج تجربی را مشخص کند که اگر آنها اتفاق بیفتند تئوری را ابطال می‌کند. این قاعده هیچ‌گونه قابلیت کاربردی برای مفاهیم چند علتی ندارد مگر این که یک آزمایش کامل انجام بگیرد و همه علت‌ها را به طور همزمان آزمون کنیم.

به عبارت دیگر، پدیده‌های قابل مشاهده از ترکیبی از شرایط زیربنایی ناشی می‌شود، که فقط یکی از آنها موضوع توجه شخص است؛ بنابراین آزمون‌های تجربی تقریباً همیشه یک فرضیه مشترک را آزمون می‌کنند. رد کردن یک فرضیه مشترک، معادل با کنار گذاشتن یک یا چند فرض تشکیل‌دهنده آن است. آزمون‌های پالایش شده‌تری باید انجام بگیرد تا متوجه شویم کدام بخش را باید کنار گذاشت.

چنین انضباطی در فرآیند تحقیق باید در تمام علوم به صورت قاعده در آید. با کمال تأسف دانشمندان اجتماعی اغلب به چنین حدی نرسیده‌اند؛ آنها تئوری‌های خلق‌الساعه می‌سازند و افلام گزینش شده‌ای از شواهد را در حمایت از تئوری‌های خود ارائه می‌دهند. دقیقاً همانطور که نظریه‌پردازی اولسن در کتاب منطق کنش جمعی عمدتاً بدون مدل‌های صوری ریاضی بود، ژرف نگری تجربی وی از تئوری‌هایش در کتاب فراز و فرود ملت‌ها نیز بدون استفاده رویه‌های آماری صوری یا اقتصادسنجی بود. با اینکه او به سبک غیرصوری منحصر به فردش کار می‌کرد، تلاش کرد تا به انضباط آکید علمی که از آن دفاع می‌کرد پایبند باشد.

۴- راهزنان سیار و ساکن

هنگامی که اولسن دانشجوی دوره تحصیلات تکمیلی بود، کنجکاو شد تا ببیند یک روستایی در جنوب ایتالیا را تفسیر کند: «سلطنت بهترین نوع حکومت است زیرا شاه مالک تمام کشور است، مثل مالک یک خانه، هر زمان سیم کشی خانه خراب شود او تعمیرش می‌کند.» اولسن با این که یکی از معتقدان جدی دموکراسی بود مجبور شد حقیقت نهفته در این عبارت را بپذیرد. درباره این موضوع بسیار فکر کرد و بعد از سال‌ها پاسخی ارائه کرد (Olson, 1991, 1993).

قبایل بسیار کوچک بلوی متشکل از چند خانواده در اغلب اوقات مسایل کنش جمعی را با اجماع حل می‌کنند و به دلیل روابط مداوم در گروه‌های باثبات، توافقی‌ها خود اجراکننده هستند. اما جوامع بزرگتر نیاز به سازوکارهای اجرای سیاست دارند و باید انحصار قوه قهریه را به موجودی موسوم به دولت بسپارند. مسئله این است که دولت ممکن

است از قدرت خویش در جهت منافع خصوصی خود و نه منافع جامعه استفاده کند. این مسئله کم و بیش حاد است. بسته به این که چقدر از منافع جامعه در منافع حکومت منعکس شده باشد، یا با استفاده از مفهومی که اولسن در فراز و فرود ملت‌ها شرح و بسط داد، بسته به اینکه منافع حکومت تا چه اندازه فراگیر است.

اولسن این اندیشه را با استفاده از تفکیک فراموش نشدنی بین راهزنان سیار و ساکن توضیح می‌دهد. فرض افراطی پیش می‌کشد مبنی بر این که دولت‌ها شبیه راهزنان هستند و تنها قصد و نیت‌شان این است که هرچقدر می‌توانند از اقتصاد کشور برای خودشان اخاذی کنند. یک راهزن سیار مثل روش کشاورزی بدون بریدن و سوزاندن عمل می‌کند و همه چیز را از یک گروه می‌گیرد و به گروه دیگر می‌دهد. او نرخ مالیات ۱۰۰ درصدی وضع می‌کند و هیچ کالای عمومی تولید نخواهد کرد. اما این شیوه تمام انگیزه‌های جامعه را برای این که چیزی تولید کند، از بین می‌برد، به طوری که راهزن سیار چیز چندان زیادی به دست نخواهد آورد. یک راهزن ساکن، اقتصادی را که بر روی آن برای مدت طولانی‌تری کنترل دارد پرورش خواهد داد. نه از روی خیرخواهی یا رعایت اصول اخلاقی، بلکه به خاطر حداکثرسازی برداشت خویش. او نرخ مالیات حداکثرکننده درآمد وضع خواهد کرد، که متناظر با نقطه بالای منحنی لافر باشد. او حتی کالاهای عمومی هم ارائه می‌کند، تا آن حد که درآمد کل افزایش یابد و در نتیجه سهم مالیاتی به اندازه کافی بالا رود. اگر نرخ مالیات t باشد، مخارج بهینه حکومت که صرف کالاهای عمومی می‌شود تا جایی خواهد بود که تولید نهایی آن $1/4$ باشد. در نقطه بهینه اجتماعی، تولید نهایی ۱ است. بنابراین راهزن ساکن، کالای عمومی کمتری نسبت به بهینه اجتماعی ارائه خواهد کرد اما به میزان بیشتری در مقایسه با راهزن سیار عرضه خواهد کرد.

این امر به نتیجه جالبی می‌انجامد مبنی بر این که «زنده‌باد شاه» احتمالاً دعایی است که به نفع رعایا خواهد بود. شاه با افق زمانی طولانی‌تر منافع فراگیرتری دارد؛ بنابراین او نرخ مالیات کمتری وضع کرده و کالاهای عمومی بیشتری تولید خواهد کرد. شیوه حکومت موروثی افق زمانی را حتی طولانی‌تر ساخته و منافع نیز فراگیرتر می‌شود.

اما یک دموکراسی مطلوب حتی بهتر از یک راهزن ساکن عمل می‌کند. تحت قاعده اکثریتی، اکثریت نگران درآمد بازاری خویش و نیز درآمد مالیاتی است که می‌تواند از بقیه جامعه اخذ کند. بنابراین منافع اکثریت به طور خودکار فراگیرتر است. در نتیجه اکثریت، نرخ مالیاتی انتخاب می‌کند که کمتر از راهزن ساکن است و کالای عمومی بیشتری نیز ارائه می‌کند. البته در عمل حکومت‌های دموکراتیک ممکن است از ائتلاف‌های توزیعی تأثیرپذیرند و مقایسه به این راحتی امکانپذیر نباشد.

این واقعیت که تقریباً سه دهه طول کشید از زمانی که اولسن متوجه آن قضیه شد تا زمانی که پاسخی منتشر ساخت، به پیگیری وی در تحقیق برمی‌گردد. در یک سطح پایین‌تر، این پیگیری او را واداشت به بحث‌های طولانی با نویسندگان همکار خود بپردازد تا تقدیر و واژه‌پردازی دقیق هر استدلال وقتی هر پانویس را چنان که باید و شاید به انجام رساند.

اولسن در سال‌های اخیر، ایده درجه منافع فراگیر را

برای اشکال مختلف حکومتی بسط داد و از آن در مطالعه گسترده‌گذار از نظام کمونیستی سابق و سایر دیکتاتوری‌ها به حکمرانی دموکراتیک استفاده کرد. او نسخه‌ای دست‌نویس با عنوان سرمایه‌داری، سوسیالیسم و دیکتاتوری را به پایان رساند و در زمان فوت در حال بازنگری آن برای انتشار بود.

۵- اولسن در کسوت یک اقتصاددان و دانشمند

اجتماعی

آورده‌های مانس اولسن تأثیرات مهمی بر همه رشته‌های علوم اجتماعی گذاشته است. او حتی در رشته علوم سیاسی نسبت به اقتصاد شناخته شده‌تر است. با این حال تفکر وی همیشه عمیقاً ریشه در اقتصاد داشت. او به ویژه به دو تا از پایه‌های اصلی رشته اقتصاد وفادار ماند - فردگرایی روش‌شناختی و رفتار عقلایی، برای او، فرد «هویت بنیادین زندگی اقتصادی و اجتماعی بود» (Olson, 1990, p. 77). و این اندیشه که تحلیل پیامدهای اجتماعی باید با تصمیمات فرد درباره مشارکت همراه باشد، دقیقاً مبنای کتاب منطق کنش جمعی بود. این که این تصمیمات معمولاً به صورت عقلایی اتخاذ می‌شود (که همیشه به معنای خودخواهی نیست) نیز از نظر تئوری اهمیت دارد.

اکثر همکاران و دوستان اولسن از او شنیده بودند که به برخی تأکیدها درباره یک پدیده اجتماعی با این پرسش واکنش نشان می‌داد که «اما آیا آن رفتار عقلایی خواهد بود؟» او عقلانیت را حتی در رفتار افراطی و خصمانه نیز تشخیص می‌داد و در تحلیل‌ها استفاده می‌کرد: «اگر خشونت هیچ وقت عقلایی نبود، پس تا این اندازه شاهد آن نبودیم» (Olson, 1991, p. 132). اما نه اینکه «اگر خشونت، عقلانی نبود، هرگز هیچ خشونتی وجود نمی‌داشت.» نگاه او به عقلانیت، جزم اندیشی کمتری داشت و پیچیده‌تر و موشکافانه‌تر از نگاه اکثر اقتصاددانان بود (Olson, 1990, p. 77).

چگونه شد که اقتصاددان تمام‌عیاری از این دست چنان احترام و حتی تحسین و تمجیدی از سایر دانشمندان اجتماعی به دست آورد، و نه دلخوری و ناخشنودی که احتمالاً هر کسی انتظارش را دارد؟ بخشی از پاسخ را می‌توان در نازک‌بینی، انسجام و دانش‌پژوهی وی پیدا کرد، در سماجت و سرسختی وی در مبارزه با یک مسئله تا درک کامل آن، و در توانایی وی به اینکه درباره آن به روشنی بنویسد. تا حدودی نیز باید به خاطر جذبه شگفت‌انگیز وی باشد. اما در مقیاس وسیع، تصور می‌کنم علت را باید در دانش او و احترام وی به گستره‌ای از واقعیات و اندیشه‌های موجود در دیگر رشته‌ها جست‌وجو کرد. ترکیبی از رویکرد تحلیلی یک اقتصاددان، توجه دانشمند سیاسی به نهادها، و دانایی یک تاریخدان از ظرایف و پیچیدگی‌های جهان، مجموعه آن چیزهایی بود که از اولسن دانشمند اجتماعی ساخت.

پانویس:

* Avinash Dixit, 'Mancur Olson - Social Scientist', The Economic Journal, 109, June, 1999, pp. 443-45

۱) Coaseian bargaining